

فصلنامه روستا و توسعه، سال ۱۴، شماره ۱، بهار ۱۳۹۰، صفحات ۱۵-۳۳

عوامل مؤثر بر بهبود مشارکت زنان در صندوق‌های اعتبارات خرد روستایی: مطالعه موردی استان کرمانشاه

فاطمه کوشکی، هوشنگ ایروانی و خلیل کلاتری*

تاریخ دریافت: ۱۳۸۸/۶/۲۳ تاریخ پذیرش: ۱۳۸۹/۱/۲۹

چکیده

در این تحقیق با روش پیمایشی، عوامل مؤثر بر بهبود مشارکت زنان در صندوق‌های اعتبارات خرد روستایی بررسی شده است. جامعه آماری شامل اعضای صندوق‌های اعتباری خرد زنان روستایی استان کرمانشاه بود. نتایج تحقیق نشان داد که برخی عوامل مؤثر بر مشارکت زنان در صندوق اعتباری به ترتیب اولویت عبارتند از: برنامه‌ریزی همراه با مشارکت زنان، فراهم نمودن آموزش‌های لازم و مستمر برای اعضاء، ایجاد حس تعلق و افزایش اعتماد به نفس زنان روستایی و... همچنین براساس نتایج حاصل از تحلیل عاملی، عوامل مؤثر بر مشارکت زنان روستایی در سه عامل اصلی دسته‌بندی شدند که در مجموع این سه عامل، ۷۱/۲۹ درصد از واریانس کل سازه‌های مؤثر بر افزایش میزان مشارکت را تبیین کردند. این عوامل عبارت بودند از: عوامل آموزشی - مدیریتی، عوامل اجتماعی - روانشناختی و عوامل اقتصادی - حمایتی.

کلیدواژه‌ها: اعتبارات خرد روستایی / مشارکت زنان / مطالعه موردی / کرمانشاه (استان).

* * *

* به ترتیب، نویسنده مسئول و کارشناس ارشد توسعه روستایی دانشگاه تهران (kooshki_fatemeh@yahoo.com)؛ و دانشیاران دانشکده اقتصاد و توسعه کشاورزی دانشگاه تهران.

مقدمه

در جامعه امروز ایران، زنان نشان داده‌اند که توانایی‌ها و قابلیت‌های بالقوه فراوانی دارند و تحت شرایط مناسب می‌توانند مشارکت مؤثری در توسعه اقتصادی - اجتماعی و فرهنگی کشور داشته باشند. از آنجایی که در دهه‌های اخیر زنان دسترسی بهتری به دانش و اطلاعات فنی در عرصه‌های اقتصادی داشته‌اند، مشارکت داوطلبانه و آگاهی آن‌ها در این زمینه‌ها افزایش یافته است. از طرفی در روستاها، زنان حدود نیمی از جمعیت روستایی را به خود اختصاص می‌دهند. با وجود این که آن‌ها نقش به‌سزایی در فرآیند تولیدات روستایی دارند، ضروری است که به طرق مختلف از جمله با راه اندازی صندوق‌های اعتبارات خرد امکان و احساس ایجاد تعلق در جامعه، حداقل در اجتماع اعضای صندوق به عنوان یک گروه جامعه روستایی، به وجود بیاید. قطعاً می‌توان گفت حصول موفقیت‌های پی در پی این صندوق‌ها امکان حضور و مشارکت زنان روستایی را در جوامع بزرگتر فراهم خواهد آورد (ایران‌شاهی، ۱۳۸۲). از طرفی تعیین نخستین دهه سازمان ملل (۲۰۰۶-۱۹۹۷) برای فقرزدایی، نقش اعتبارات خرد در کاهش فقر و توسعه روستایی و عنایت به اهداف توسعه هزاره و تعیین سال ۲۰۰۵ به عنوان سال اعتبارات خرد همگی حاکی از اهمیت فراوانی است که اعتبارات خرد در این رابطه می‌تواند داشته باشد (FAO, 2006). از این رو افزایش و بهبود مشارکت زنان در فعالیت‌های اقتصادی، از عمده‌ترین اهداف بسیاری از سازمان‌های دولتی از جمله دفتر مشارکت و امور زنان وزارت جهادکشاورزی در قالب ارائه طرح‌هایی چون طرح صندوق اعتبارات خرد زنان روستایی و... را می‌توان نام برد. در همین راستا یکی از شاخص‌های اصلی نوسازی اقتصاد ملی و توسعه اجتماعی، جایگاه مشارکت زنان و نحوه ایفای نقش آنان در ساختارهای اقتصادی است.

این مقاله به بررسی عوامل مؤثر بر بهبود و افزایش میزان مشارکت زنان روستایی در صندوق‌های اعتبارات خرد در استان کرمانشاه می‌پردازد. در چارچوب ادبیات نظری مقاله، ضمن بررسی تعاریف و نتایج مطالعات انجام شده به مبحث سیر تکاملی

اعتبارات خرد در جهان، تأثیر مشارکت زنان روستایی (به عنوان فقیرترین قشر روستایی) در این مقوله پرداخته شده، در بخش بعدی روش تحقیق و نهایتاً در بخش آخر که نتایج پژوهش می باشد، به تحلیل و تفسیر داده‌ها پرداخته شده است. این داده‌ها از طریق میدانی تهیه شده است و با استفاده از نرم افزار SPSS مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد. قطعاً پرداختن به مسئله شناخت و بررسی عوامل مؤثر بر میزان مشارکت زنان روستایی در توسعه جامعه روستایی دارای ارزش خاصی است.

اهداف تحقیق

تحقیق حاضر با اهداف اساسی زیر به اجرا درآمده است:

- بررسی نحوه شکل‌گیری صندوق‌های اعتباری خرد.
- شناخت ویژگی‌های فردی، اقتصادی و اجتماعی زنان روستایی عضو صندوق‌های اعتبارات خرد.
- اولویت بندی عوامل مؤثر بر بهبود مشارکت زنان روستایی در صندوق‌های اعتبارات خرد.
- شناخت و بررسی عوامل مؤثر بر بهبود مشارکت زنان روستایی در صندوق‌های اعتبارات خرد از دیدگاه اعضاء.
- همچنین این مطالعه درصدد پاسخگویی به این سوال اساسی است که چه عواملی می‌توانند بر بهبود و افزایش میزان مشارکت اعضای صندوق‌های اعتبارات خرد روستایی استان کرمانشاه مؤثر باشند و موجب افزایش مشارکت و فعالیت زنان روستایی شود.

ادبیات تحقیق

در ادبیات توسعه، واژه مشارکت از جایگاه خاصی برخوردار است. مفهوم واژه مشارکت، امروزه تبدیل به یکی از واژه‌های کلیدی در فرهنگ توسعه شده است. مشارکت عبارتست از مداخله داوطلبانه مردم در تغییرات تعیین شده توسط خودشان.

همچنین فائو واژه مشارکت را دخالت مردم در توسعه و تکامل خود، زندگیشان و محیط زیستشان تعریف کرده است (FAO,1989).

براساس گزارش‌های بانک جهانی تجارب سازمان‌های دست‌اندرکار در زمینه بهبود جایگاه اقتصادی - اجتماعی زنان به ویژه در مناطق روستایی حاکی از آن است که مشارکت زنان روستایی در زمینه‌های اقتصادی پیش‌نیاز توانمندسازی و مشارکت همه‌جانبه آن‌ها در برنامه‌های توسعه روستایی است و متأسفانه هنوز در جوامع مختلف به دلایل گوناگون فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی تعادل مطلوب و قابل قبولی در امر مشارکت عادلانه زنان روستایی در جهت توسعه و بروز خلاقیت‌ها و استعدادهاى آن‌ها برقرار نشده است (ثابت قدم، ۱۳۷۲). به طور کلی، انقلاب تأمین مالی و اعتبارات خرد فرآیندی است که حدود سه دهه است که در سطح جهان معرفی شده و گشایش قابل ملاحظه‌ای برای اقشار پائین جامعه ایجاد نموده است، در این راستا نیز مطالعات خاندکر^(۱) (۲۰۰۵)؛ کبیر^(۲) (۲۰۰۸) و هالی و مردوچ^(۳) (۲۰۰۲) نشان داده که برنامه‌های اعتبارات خرد عموماً در کاهش فقر مؤثر بوده و توانسته به بهبود وضعیت تحصیلی و تغذیه‌ای کودکان منجر شود که این اهداف و برنامه‌ها کاملاً در راستای فرآیند توسعه روستایی می‌باشند. کشورهایی که در این زمینه فعالیت قابل توجهی دارند عبارتند از: اندونزی، بولیوی، چین، هند، کنیا، تانزانیا، ویتنام، سریلانکا و بنگلادش. لازم به یادآوری است که تشکل‌های داوطلبانه مردمی هم در این زمینه بسیار فعال بوده و کمک مؤثری می‌نمایند (FAO,2006), (Shams,2005), (Hasan,2002). همچنین نزدیک به سه دهه است که تأمین مالی خرد به عنوان یکی از ابزارها و روش‌های توسعه اقتصادی برای اقشار پائین جامعه بخصوص زنان روستایی مورد استفاده قرار گرفته و تقریباً در اغلب کشورهای جهان رایج شده است، به طوری که بانک جهانی نشریه ای تحت عنوان انقلاب تأمین مالی خرد انتشار داده است (Shivads,2004). سازمان غیردولتی زنان الگا قرقیزستان در سال ۱۹۹۵ توسط زنان روستایی منطقه ایسیک- آتا پی‌ریزی شد که هدف اصلی، بهبود وضعیت زنان، رشد آگاهی، مشارکت در روند بازسازی و مساعدت به اقشار فقیر و محروم بود. در این انجمن، هرگونه

کمک ممکن، اطلاع‌رسانی، آموزش و ارائه اعتبارات خرد به فرایند توسعه، کسب حقوق اجتماعی و بالاخره رشد اقتصادی آنان بسیار مهم تلقی می‌شود (سلطانوا، ۱۳۸۲). در برنامه اعتبارات خرد مالزی، در کنار آموزش‌های رسمی، آموزش‌های غیررسمی نیز برای ارتقاء آگاهی، مشارکت و توانمندسازی زنان روستایی در نظر گرفته شده است و در این برنامه با اعطای وام همراه است و ام تنها به زنان تعلق می‌گیرد (Seible, 2002). دسترسی زنان به اعتبارات، منجر به افزایش سطح درآمد زنان، دسترسی به شبکه‌های اطلاعات و بازار، ارتقاء جایگاه زنان در مشارکت اقتصادی خانواده، افزایش مشارکت آن‌ها در تصمیم‌گیری در مورد هزینه‌های خانوار و بهبود دیدگاه عمومی زنان در مورد نقش زنان در خانواده و جامعه می‌گردد و به این ترتیب مشارکت زنان در تصمیم‌گیری در نهادهای اجتماعی - سیاسی و حتی در خانواده ارتباط مستقیمی با مشارکت آنان در امور اقتصادی دارد (Mayox, 1997). وستاور^(۴) (۲۰۰۸) نیز در این زمینه به بررسی و اثربخشی چندین برنامه اعتبارات خرد که اخیراً در مناطق و کشورهای مختلف با هدف کاهش فقر در روستاها اجرا شده، پرداخته است. سنایانگ و چی هونگ^(۵) (۲۰۰۸) نیز در مطالعه‌ای به بررسی اعتبارات خرد و ارتقاء نقش گروه‌های زنان و مشارکت آنان جهت کاهش فقر در روستاهای گامبیا پرداخته و نتایج تحقیقات آنان حاکی از آن است که توانمندسازی و حمایت زنان روستایی با رهیافت اعتبارات خرد مستلزم اجرای سیاست‌ها و راهبردهای حمایتی گروه‌های زنان در روستاها است. کمیسیون اجتماعی و اقتصادی سازمان ملل (ESCAP) در آسیا و اقیانوس آرام هدف از ارائه اعتبارات خرد به روستائیان را کاهش فقر، ایجاد اشتغال، کسب درآمد، توسعه اقتصادی - اجتماعی، افزایش خودتکایی، خوداشتغالی و عزت‌نفس می‌داند و به دنبال آن بهداشت و تغذیه و سطح سواد فقرا، زنان و بچه‌ها بالا می‌رود و این توانمندی اقتصادی در درازمدت به توانمندی سیاسی، اجتماعی و حقوقی از طریق توسعه و تقویت گروه‌های زنان، کودکان و فقرا به عنوان توان بالقوه‌ای در توانمندسازی مالی کمک می‌کند (Ledgerwood, 1999), (ESCAP, 1996), (Brandsma & Haret, 2000) و (ازکیا و

ایمانی، ۱۳۸۵). پروت^(۶) (۲۰۰۹) نیز در مطالعه‌ای حقوق مسلم زنان روستایی را، در ۱۴ مورد طبقه‌بندی می‌کند که از جمله آن دسترسی زنان روستایی به اعتبار می‌باشد. شولر و هاشمی^(۷) (۱۹۹۴)، در بنگلادش به مقایسه نمونه‌ای از زنان عضو بانک گرامین با زنان غیرعضو پرداختند تا تعیین کنند که آیا مشارکت در برنامه اعتباردهی توانسته است موجب توانمندسازی زنان شود یا خیر، در این مطالعه، توانمندسازی زنان به-عنوان عاملی مؤثر در امنیت اقتصادی بوده و باعث افزایش میزان مشارکت زنان شده است و بر وضعیت آنان نیز تأثیر مثبتی به جا گذاشته است. از جمله آثار تشکیل صندوق مشارکت زنان روستایی استفاده بهینه از پس‌اندازهای کوچک در جهت ایجاد مشاغل خانگی برای زنان و در نتیجه کاهش فقر است. همچنین وجود مشارکت اعضا، یکی از ویژگی‌های صندوق می‌باشد موجب افزایش روحیه مشارکت در روستا شده و زمینه را برای همکاری بیشتر در طرح‌های دیگر را مساعد کرده است که به‌طور غیرمستقیم اثر فقرزدایی دارد(خزاعی، ۱۳۷۸). در نهایت برنامه‌های اعتباری خرد زنان به عنوان یک راه حل کلیدی توأم با مشارکت زنان برای فقرزدایی و توانمندسازی زنان مورد توجه قرار گرفته است. دسترسی به اعتبارات از طریق توانمند کردن زنان باعث حذف موانع فردی و اجتماعی و در نهایت فراهم آوردن زمینه‌های مشارکت اقتصادی و اجتماعی برای زنان در تمامی زمینه‌ها می‌شود. اگرچه قانون اساسی بر برابری زنان و مردان در منافع حاصل از زحماتشان تأکید دارد، اما همچنان خلاء عمیقی بین موقعیت زنان و مردان در دسترسی به منابع وجود دارد(حسن زاده و همکاران، ۱۳۷۸).

روش تحقیق

این تحقیق به روش پیمایشی انجام شده است و از نوع توصیفی-همبستگی می‌باشد. جامعه آماری تحقیق شامل ۷۴۶ نفر از زنان روستایی عضو صندوق‌های اعتباری خرد استان کرمانشاه تشکیل می‌دهند. براساس فرمول کوکران، تعداد نمونه مناسب برای این تحقیق ۱۴۵ نفر برآورد گردید که به منظور افزایش دقت این تعداد به ۱۶۰ نفر افزایش یافت. به منظور کسب اطمینان ۱۷۰ پرسشنامه در بین زنان روستایی عضو کلیه

صندوق‌های استان توزیع گردید که از این تعداد در نهایت ۱۶۰ پرسشنامه حاوی اطلاعات مورد نظر تکمیل و مورد تحلیل قرار گرفت. ابزار تحقیق در دو بخش شامل ویژگی‌های فردی و اجتماعی زنان و عوامل مؤثر بر بهبود مشارکت زنان عضو بوده است که اعتبار محتوایی پرسشنامه با استفاده از دیدگاه تعدادی از اساتید گروه ترویج و آموزش کشاورزی دانشگاه تهران و تعدادی از زنان روستایی چند روستای مورد مطالعه تأیید گردید. جهت تعیین اعتبار پرسشنامه در منطقه مورد مطالعه نیز تعداد ۳۰ پرسشنامه بین اعضاء صندوق توزیع گردید و پیش آزمون شد و با استفاده از نرم‌افزار SPSS (Version 11.5) ضریب آلفای کرونباخ ۰/۸ محاسبه گردید که نشان می‌دهد سؤالات پرسشنامه از اعتبار بالایی برخوردار است.

برای بررسی دیدگاه زنان روستایی نسبت به عملکرد صندوق‌های اعتباری خرد برای بهبود مشارکت در صندوق‌های اعتبارات خرد ۱۴ گویه در قالب طیف لیکرت استفاده شد. موارد این طیف شامل «هیچ»، «خیلی کم»، «کم»، «ناحدودی»، «زیاد» و «خیلی زیاد» بود. برای هیچ مقدار عددی ۰ و برای خیلی کم مقدار عددی ۱ و برای کم مقدار عددی ۲ برای تا حدودی مقدار عددی ۳ و برای زیاد مقدار عددی ۴ و برای خیلی زیاد مقدار عددی ۵ در نظر گرفته شد. همچنین ضریب پراکندگی نشان دهنده بالاترین رتبه بود و برای مواردی که ضریب پراکندگی آن‌ها مشابه بود، رتبه یکسانی در نظر گرفته شد. در این تحقیق، هدف از کاربرد تحلیل عاملی مشخص کردن عوامل مؤثر بر بهبود مشارکت زنان روستایی در صندوق‌های اعتبارات خرد از دیدگاه اعضاء و تعیین مقدار واریانس تبیین شده توسط هر کدام از متغیرها در قالب عامل‌های دسته‌بندی شده می‌باشد. در تحقیق حاضر، از تحلیل عاملی نوع استخراجی با رویکرد تعیین متغیرهای معنی‌دار در هر کدام از عامل‌های تعیین شده در چارچوب نظری تحقیق استفاده شد. به طور کلی در راستای انجام تحلیل عاملی در این تحقیق، مراحل زیر طی شده است: تعیین و تشخیص مناسب بودن داده‌ها برای تحلیل عاملی با استفاده از آزمون‌های KMO و بارتلت صورت گرفت. در این تحقیق، با توجه به مقادیر KMO به دست

آمده در سطح خوب، می توان گفت که داده ها برای تحلیل عاملی مناسب بوده اند. یکی از موارد مهم در تحلیل عاملی، تعیین تعداد عامل های قابل استخراج است. اگرچه مبنای کمی دقیقی برای تصمیم گیری در مورد تعداد عامل های استخراجی ارائه نشده است، اما ضوابطی وجود دارد که در تصمیم گیری برای تعیین تعداد عاملی های استخراجی، از آن ها استفاده می شود. این معیارها عبارتند از:

۱- معیار مقدار ویژه؛

۲- معیار پیشین؛

۳- معیار درصد واریانس؛ و

۴- معیار تست بریدگی^(۸) (کلانتری، ۱۳۸۲)

در این تحقیق، با توجه به استخراجی بودن نوع تحلیل عاملی و نیز به منظور مشخص شدن میزان درستی عوامل در نظر گرفته شده برای تعیین عوامل مؤثر بر مشارکت، متغیرها در سه عامل دسته بندی شدند.

در تحلیل عاملی، منظور از چرخش، چرخانیدن محورهای عامل حول مرکز مختصات است. چرخش را موقعی انجام می دهند که تفسیر عامل ها به سادگی ممکن نباشد. بنابراین، به منظور ساده سازی ساختار عامل ها و تفسیرپذیری آن ها، از چرخش عاملی استفاده می شود. روش های متعددی برای چرخش عامل ها وجود دارد که در این تحقیق از روش واریماکس استفاده شد و متغیرهایی که بار عاملی آن ها بزرگ تر از ۰/۵ بود، به عنوان بارهای عاملی معنی دار استخراج شدند.

یافته ها

یافته های توصیفی زنان عضو صندوق های اعتبارات خرد روستایی

در این پژوهش یافته های تحقیق نشان داد که دختران و زنان روستایی عضو صندوق های اعتباری خرد در محدوده سنی ۱۴ تا ۶۰ سال قرار دارند و میانگین سن اعضاء ۳۱ سال بود. از لحاظ تحصیلات، بیشترین درصد فراوانی (۶۷/۴ درصد) مربوط

به اعضای با سطح سواد ابتدایی و خواندن- نوشتن بود و افراد با تحصیلات راهنمایی و متوسطه و تحصیلات دیپلم و بالاتر و بی سواد به ترتیب با ۲۵/۷ درصد، ۱۷/۵ درصد، ۱۰/۶ درصد در رده‌های بعدی قرار داشتند. براساس اطلاعات جمع‌آوری شده، توزیع پاسخگویان براساس وضعیت تأهل بیانگر آن است که ۳۱/۳۳ درصد اعضا مجرد و ۶۸/۶۷ درصد متأهل هستند. از لحاظ مدت زمان عضویت در صندوق، میانگین مدت زمان عضویت ۲۴ ماه، بیشترین و کمترین مدت زمان عضویت نیز به ترتیب ۴۸ ماه و یک ماه بوده است. همچنین قابل ذکر است که ۸۷ درصد پاسخگویان بین ۱۰ تا ۴۸ ماه سابقه عضویت در صندوق دارند. بررسی میزان وام‌های دریافت شده توسط اعضا نشان می‌دهد که ۶۵/۶ درصد از زنان یک بار، ۲۰/۶ درصد دوبار و ۱۰/۶ درصد نیز سه بار وام دریافت کرده‌اند. در مجموع بالغ بر ۹۵ درصد اعضا از صندوق وام دریافت کرده‌اند و تنها کمتر از ۳/۲ درصد وامی دریافت نکرده‌اند. یافته‌های تحقیق در زمینه فعالیت‌های درآمدزا زنان بعد از دریافت وام نشان می‌دهد که فعالیت‌های کشاورزی و دامی ۲۰/۶ درصد، پرورش طیور ۵/۶ درصد، خیاطی و هنرهای دستی ۸/۸ درصد، قالی‌بافی ۳/۱ درصد، آرایش‌گری ۳/۸ درصد و پرورش قارچ ۲/۵ درصد می‌باشد. برای ارزیابی اثر و عملکرد صندوق بر ایجاد اشتغال، به مقایسه فعالیت‌های زنان قبل و بعد از دریافت وام پرداخته شده است. قبل از دریافت وام ۸۳/۷ درصد از زنان هیچ‌گونه فعالیت درآمدزایی نداشته‌اند اما بعد از عضویت و دریافت وام این میزان به ۵۵ درصد کاهش یافته است، می‌توان چنین نتیجه‌گیری کرد که مطابق با یافته‌های (پیت^(۹) و همکاران، ۲۰۰۳) و (تیلاکاراتان^(۱۰)، ۱۹۹۶) صندوق اعتبارات خرد (با این که کمتر از سه سال از مدت زمان تأسیس و راه‌اندازی آن در این استان می‌گذرد) با تأثیر بر میزان دارایی‌های مولد زنان عمدتاً به شکل دام و طیور، خرید چرخ خیاطی و گلدوزی و... در جریان درآمدی آتی زنان عضو اثرگذار بوده است و زنان توانسته‌اند با سرمایه‌های آن ابزار تولید برای خود فراهم کنند (کوشکی، ۱۳۸۷).

رتبه‌بندی عملکرد صندوق‌های اعتباری خرد برای بهبود مشارکت زنان از دیدگاه اعضا مطابق یافته‌های تحقیق موارد زیر به عنوان مهم‌ترین فعالیت‌ها و عملکرد صندوق اعتباری خرد برای افزایش و بهبود میزان مشارکت اعضاء شناخته شدند (جدول ۱):

جدول ۱- دیدگاه زنان روستایی نسبت به عملکرد صندوق‌های اعتباری خرد برای بهبود مشارکت زنان

ردیف	فعالیت و عملکرد صندوق‌های اعتباری خرد زنان	میانگین	انحراف معیار	ضریب تغییرات	رتبه
۱	برنامه‌ریزی همراه با مشارکت زنان عضو فراهم نمودن آموزش‌های لازم و مستمر برای زنان عضو	۳/۱۹	۰/۷۷۲	۰/۲۳۱	۱
۲	ایجاد حس تعلق و افزایش اعتماد به نفس زنان روستایی با تصمیم‌گیری گروهی	۴/۴۶۲	۱۰/۷۰۴	۰/۲۴۰	۲
۳	فراهم آوردن شرایط اجتماعی لازم به منظور ارتقاء جایگاه زنان روستایی عضو	۳/۱۳۱	۰/۷۷۸	۰/۲۴۸	۳
۴	تقویت حس مشارکت بین زنان عضو	۳/۱۸۵	۰/۸۲۳	۰/۲۶۰	۴
۵	مشورت با زنان روستایی در مورد نحوه عضوپذیری	۳/۱۸۱	۰/۸۳۱	۰/۲۶۱	۵
۶	حمایت سازمان‌های دولتی و غیردولتی مرتبط از صندوق	۳/۱۳۷	۰/۸۳۵	۰/۲۶۷	۶
۷	فراهم نمودن دانش بازاریابی و اطلاعات روز در مورد فروش محصولات برای زنان و آگاه کردن آنان از سلیقه مشتریان	۳/۲۲۵	۰/۸۷۶	۰/۲۷۱	۷
۸	آشناسازی اعضاء با مشاغل جدید (پرورش قارچ خوراکی...)	۳/۳۷۵	۰/۸۳۱	۰/۲۷۳	۸
۹	اعطای وام با کارمزد کمتر به زنان عضو	۳/۱۶۲	۰/۸۸۹	۰/۲۸۰	۹
۱۰	افزایش مبلغ وام‌های اعطاء شده به زنان عضو	۳/۲۸	۰/۹۳۳	۰/۲۸۳	۱۰
۱۱	افزایش میزان سرمایه اهدایی از طرف خیرین، اداره ترویج و خیرین به صندوق اعتباری خرد زنان روستایی	۳/۱۲۵	۰/۹۴۳	۰/۳۰۰	۱۱
۱۲	لزوم سرمایه‌گذاری اولیه برای عضویت از طرف زنان	۳/۳۱۳	۰/۹۵۳	۰/۳۰۴	۱۲
۱۳	مستقل کردن اعضاء با گذشت زمان و افزایش میزان سرمایه در قالب گروه‌های کوچک خودگردان	۲/۸۶۲	۰/۹۲۸	۰/۳۲۴	۱۳
۱۴		۳/۴۸	۷/۶۶	۲/۲۰	۱۴

مأخذ: یافته‌های تحقیق

تحلیل عاملی متغیرها و سازه‌های بهبود و افزایش مشارکت زنان در صندوق اعتباری خرد روستایی

به منظور کاهش تعداد متغیرهای تحقیق به عوامل کمتر و تعیین سهم هر یک از عوامل -ها در بهبود مشارکت و فعالیت زنان عضو، از تکنیک تحلیل عاملی استفاده شد. محاسبات انجام شده نشان داد که انسجام درونی داده‌ها برای بهره‌گیری از تکنیک تحلیل عاملی مناسب بوده ($KMO=0/706$) و آماره بارتلت^(۱۱) نیز در سطح یک درصد معنی‌دار بود که دلالت بر تأیید انجام تحلیل عاملی دارد. در این بررسی با توجه به ملاک کیسر^(۱۲) سه عامل که دارای مقدار ویژه^(۱۳) بالاتر از یک بودند، استخراج شد که نتیجه در جدول ۲ به همراه مقدار ویژه و درصد واریانس مربوطه ذکر شده است. روش‌های متعددی برای چرخش عامل‌ها وجود دارد که در این تحقیق از چرخش عاملی به روش وریماکس استفاده شد و متغیرهایی که بار عاملی آن‌ها بزرگتر از ۰/۵۰ بود به عنوان بارهای عاملی معنی‌دار استخراج گردید و در نهایت در سه عامل دسته‌بندی و نام‌گذاری گردید.

جدول ۲- مقدار آماره KMO و آزمون بارتلت

تحلیل عاملی	KMO	Bartlet Test	Sig
عوامل مؤثر بر بهبود مشارکت زنان عضو در صندوق	۰/۷۰۶	۳۳۲/۸۹	۰/۰۰۰

مأخذ: یافته‌های تحقیق

براساس جدول ذیل، مقدار واریانس تجمعی تبیین شده توسط این سه عامل ۷۱/۲۹ درصد بوده و مطابق با جدول ۳ عامل آموزشی - مدیریتی به عنوان مهم‌ترین عامل بهبوددهنده مشارکت اعضاء صندوق‌های اعتباری به شمار می‌آید که ۲۷/۹۸ درصد واریانس کل را تبیین می‌کند. بیشترین مقدار ویژه ۳/۳۳ مربوط به مؤلفه آموزشی - مدیریتی بوده که در واقع برابر با واریانس تبیین شده توسط این مؤلفه است.

جدول ۳- عامل‌های استخراج شده از تحلیل عاملی، تعیین سازه‌های بهبوددهنده مشارکت زنان در صندوق اعتبارات خرد

ردیف	نام عامل	مقدار ویژه	درصد واریانس	درصد تجمعی
۱	آموزشی-مدیریتی	۳/۳۳	۲۷/۹۸	۲۷/۹۸
۲	اجتماعی-روانشناختی	۳/۰۳۹	۲۲/۴۹	۵۰/۴۷
۳	اقتصادی-حمایتی	۳/۰۱۹	۲۰/۸۲	۷۱/۲۹

مأخذ: یافته‌های تحقیق

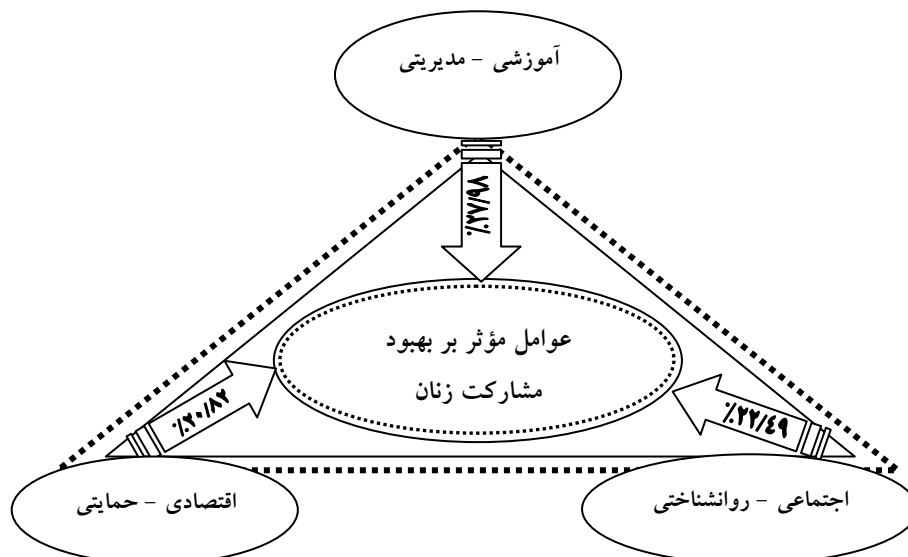
پس از چرخش عاملی به روش واریماکس، متغیرهای تحقیق در سه عامل دسته-بندی شدند(جدول ۴).

جدول ۴- متغیرهای مربوط به هر کدام از مؤلفه‌ها همراه با بار عاملی به دست آمده از ماتریس دوران یافته

بار عاملی	متغیرها	مؤلفه
۰/۸۹۴ ۰/۸۴۰ ۰/۸۲۵ ۰/۷۶۹	آموزش مستمر اعضای هیات مدیره و مدیره عامل افزایش دانش بازاریابی اعضا برنامه‌ریزی مشارکتی آشناسازی زنان عضو با مشاغل جدید	آموزشی-مدیریتی
۰/۸۳۸ ۰/۸۳۰ ۰/۷۱۸ ۰/۶۵۳	افزایش احساس تعلق و اعتماد به نفس اعضا مشورت با اعضا در نحوه عضوپذیری تقویت مشارکت ایجاد شرایط اجتماعی برای ارتقاء جایگاه زنان	اجتماعی-روانشناختی
۰/۸۹۶ ۰/۸۰۳ ۰/۷۱۱ ۰/۶۰۹	سرمایه‌اهدایی بیشتر به صندوق ارائه وام به اعضا با کارمزد کمتر حمایت سازمان‌های دولتی و غیردولتی افزایش مبلغ وام	اقتصادی-حمایتی

مأخذ: یافته‌های تحقیق

در شکل ۱ نیز مؤلفه‌های تأثیرگذار بر مشارکت زنان روستایی به همراه مقادیر تبیین‌کننده نشان داده شده است.



شکل ۱- عوامل مؤثر بر بهبود مشارکت زنان در صندوق‌های اعتباری خرد به همراه درصد تشکیل دهنده آنها

مؤلفه اول

چهار متغیر تشکیل دهنده مؤلفه اول به ترتیب مقدار بار عاملی (سهم متغیر در تشکیل عامل) عبارتند از: آموزش مستمر اعضای هیأت مدیره و مدیر عامل، دانش بازاریابی، برنامه‌ریزی مشارکتی، آشناسازی با مشاغل جدید با توجه به ماهیت متغیرهای تأثیرگذار که مؤلفه اول را می‌سازند، مؤلفه اول بنام آموزشی - مدیریتی نام‌گذاری گردید.

مؤلفه دوم

چهار متغیر تشکیل دهنده مؤلفه دوم به ترتیب مقدار بار عاملی (سهم متغیر در تشکیل عامل) عبارتند از: افزایش احساس تعلق و اعتماد به نفس، مشورت با اعضاء در نحوه عضوپذیری، تقویت مشارکت، ایجاد شرایط اجتماعی برای ارتقاء جایگاه زنان. با توجه به ماهیت متغیرهای تأثیرگذار که مؤلفه دوم را می‌سازند، مؤلفه دوم بنام مؤلفه اجتماعی - روانشناختی نام‌گذاری گردید.

مؤلفه سوم

چهار متغیر تشکیل دهنده مؤلفه سوم به ترتیب مقدار بار عاملی (سهیم متغیر در تشکیل عامل) عبارتند از: سرمایه اهدایی بیشتر به صندوق، ارائه وام به اعضاء با کارمزد کمتر، حمایت سازمان‌های دولتی و غیردولتی، افزایش مبلغ وام. با توجه به ماهیت متغیرهای تأثیرگذار که عامل سوم را می‌سازند، عامل سوم بنام مؤلفه اقتصادی- حمایتی نام- گذاری گردید.

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

توسعه روستایی مستلزم وجود نهادهای کارآمد است که برای تحقق اهداف توسعه باید از مناسب‌ترین و مطلوب‌ترین سازماندهی ممکن بهره‌مند باشند از طرفی در توسعه روستایی نیز هدف جلب و توسعه مشارکت روستاییان، بخصوص اقشار محروم‌تر روستا یعنی زنان روستایی هستند که در اغلب برنامه‌های پیشین توسعه به نوعی در حاشیه قرار گرفته‌اند. از این رو مشارکت وسیله‌ای برای گسترش و توزیع شرکت در تصمیم‌های اجتماعی و گروهی، کمک به توسعه و بهره‌مند شدن از اثرات آن است. کنش اجتماعی مشارکتی زنان، به‌طور گسترده مستلزم این است که اعضاء و افراد ذینفع از قدرت جمعی و مشترک برخوردار باشند که با تأسیس صندوق‌های اعتباری خرد و ماهیت مشارکتی آن، این امکان برای زنان روستایی فراهم آمده است. همچنین با تشکیل صندوق‌های اعتبارات خرد، زنان روستایی با حضور در جلسات بحث و گفتگو با دیگر اعضاء و ارکان صندوق، تیم تشکیل دهنده صندوق، همچنین حضور در جلسات هفتگی، ضمن ارتقاء سطح مشارکت خود به مهارت‌های فردی و جمعی هم- چون توجه به طرف مقابل، گوش کردن، صحبت و ارائه نظر به موقع کمک به تصمیم‌گیری‌ها درخصوص چگونگی فعالیت صندوق، تحمل عقاید مخالف، یافتن مشکلات پیرامون و پیدا کردن راه حل‌های گوناگون جهت حل مشکلات بوده و در پایان بحث با توجه به مباحث مطرح شده، پیشنهادهای زیر ارائه می‌گردد:

مطابق با یافته‌های تحقیق ۵۶/۹ درصد یعنی نیمی از زنان و دختران روستایی عضو در وضعیت کم‌سواد یا بی‌سوادی به سر می‌برند. این مسئله لزوم توجه بیشتر به برگزاری کلاس‌های آموزشی و توجیهی توسط صندوق اعتبارات خرد جهت افزایش آگاهی و مشارکت اعضاء را می‌رساند. لذا آموزش‌های ترویجی و نیز صنایع دستی و تبدیلی و به طور کلی و آموزش‌های خانه‌داری و بخصوص مساله آموزش مشارکت و انجام فعالیت‌های گروهی برای این قشر از زنان روستایی از رتبه و اهمیت بالایی برخوردار است. در این راستا پیشنهاد می‌شود با توجه به سطح سواد پایین اعضاء بیشتر به آموزش عمومی و روش‌های آموزش عملی و همچنین آموزش‌های اولیه مورد نیاز و مطابق با مشاغل و فعالیت‌های تولیدی منطقه مورد مطالعه ارائه شود تا بدین‌وسیله عاملی در جهت افزایش مشارکت زنان باشد. همانطور که یافته‌های تحقیق نشان داد میانگین سن زنان و دختران عضو ۳۱ سال بود که با توجه به حضور زنان جوان که دارای تحصیلات بالاتری هستند پیشنهاد می‌شود که از این افراد به عنوان تسهیلگر در امور مشارکت صندوق استفاده شود.

یافته‌های تحقیق نشان داد که فراهم آوردن شرایط اجتماعی لازم به منظور ارتقاء جایگاه زنان روستایی، به عنوان دومین اولویت در بهیود و افزایش میزان مشارکت زنان عضو شناخته شد، در این راستا کمک گرفتن از رهبران محلی و تسهیلگران به منظور گسترش فرهنگ مشارکت زنان و ایجاد شرایط و بسترسازی مناسب و همچنین یکی از موارد و نکات مؤثر بر بهبود مشارکت زنان در صندوق‌های اعتبارات خرد در منطقه مورد مطالعه نگرش خانواده نسبت به فعالیت زنان در بیرون از منزل، مساعدتر و مثبت‌تر باشد، در افزایش روند مشارکت زنان تأثیر بسزایی دارد.

نتایج حاصل از تحلیل عاملی نشان داد که یکی از عوامل مؤثر بر گسترش و بهیود مشارکت مؤلفه اجتماعی روانشناختی و مؤلفه آموزشی مدیریتی بود که در این راستا با تلاش در جهت ارتقاء مهارت‌های فردی و اجتماعی زنان روستایی و کاهش نقش عوامل بیرونی از طریق سپردن اداره امور صندوق‌های اعتبارات خرد زنان روستایی و

آموزش‌های توجیهی و عمومی و تخصصی مورد نیاز جهت آگاهی بیشتر از شرایط خود و در نتیجه توانمندسازی زنان و دختران در امر مشارکت می‌شود. براساس نتایج حاصل از تحلیل عاملی، از جمله مؤلفه بهبوددهنده زمینه‌های اقتصادی صندوق‌ها عبارتند از: افزایش میزان سرمایه‌های از طرف خیرین و اداره ترویج به صندوق، حمایت سازمان‌های دولتی و غیردولتی (NGO's) مرتبط از صندوق‌های اعتباری، افزایش مبلغ وام‌های اعطا شده به زنان، که در این صورت پیشنهاد می‌شود با بیان و تشریح اهداف اصلی صندوق‌ها در جهت کاهش فقر، توانمندسازی زنان روستایی و... در کنار حمایت و مشارکت و توجه بیشتر سازمان‌های دولتی، از حمایت‌های سازمان‌های غیردولتی مرتبط با فعالیت‌های صندوق و همچنین حمایت نهادهای خودجوش محلی و روستایی استفاده کنند که این یافته مطابق با یافته‌های (ناروود، ۲۰۰۵) و (حسن، ۲۰۰۲) می‌باشد.

یادداشت‌ها

1. Khandker
2. Kabeer
3. Haley & Morduch
4. Westover
5. Sanyang & Chi Huang
6. Pruitt
7. Schuoler & Hashemi
- ۸- این معیار تعداد مناسب عامل‌ها را بر مبنایی تعیین می‌کند که هنوز میزان واریانس خاص بر واریانس مشترک غلبه نکرده است. بنابراین تا زمانی که مقدار واریانس مشترک بیشتر از مقدار واریانس خاص باشد، عامل‌های فوق به عنوان عامل‌های معنی‌دار استخراج و تجزیه و تحلیل می‌شوند
9. Pit & et.al
10. Tilakaratan
11. Bartlet Test
12. Kaiser criteria
13. Eigen value

منابع

- ازکیا، م. و ایمانی، ع. (۱۳۸۵)، «نقش اعتبارات خرد در توانمندسازی و ایجاد اشتغال زندانیان آزاد شده: تجربه بانک کشاورزی». *مجموعه مقالات سمینار اعتبارات خرد توسعه روستایی و فقرزدایی*. تهران: مرکز تحقیقات اقتصادی بانک کشاورزی.
- ایرانشاهی، ح. (۱۳۸۰)، *بررسی ضرورت تأسیس صندوق‌های قرض‌الحسنه اشتغال روستایی و ارائه الگوی ساختاری اثر بخش و کارآمد برای آن*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. کرمانشاه: مرکز آموزش مدیریت دولتی کرمانشاه، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور. ثابت‌قدم، ش. (۱۳۷۲)، «نقش و جایگاه زنان در توسعه روستایی». *فصلنامه فرزانه، ویژه مطالعات و تحقیقات مسائل زنان*، شماره ۱.
- حسن‌زاده، ع.؛ ازوجی، ع. و قویدل، ص. (۱۳۸۵)، «بررسی آثار اعتبارات خرد در کاهش فقر و نابرابری درآمدی». *فصلنامه اقتصاد اسلامی*، سال ۶، شماره ۲۱.
- خزاعی، ع. (۱۳۷۸)، «صندوق مشارکت زنان روستایی». *فصلنامه اقتصاد کشاورزی و توسعه*، سال ۷، شماره ۲۶.
- سلطانوا، خ. (۱۳۸۲)، *برنامه اعتبارات خرد در سازمان غیردولتی الگا - تجربه فرقیستان*. تهران: وزارت جهادکشاورزی، معاونت ترویج، دفتر امور زنان.
- کلانتری، خ. (۱۳۸۲)، *پردازش و تحلیل داده‌ها در تحقیقات اجتماعی - اقتصادی*. تهران: شریف
- کوشکی، ف. (۱۳۸۷)، *تبیین مولفه‌های تأثیرگذار بر عملکرد صندوق‌های اعتباری خرد زنان روستای و نقش آن در توسعه روستایی استان کرمانشاه*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، پردیس کشاورزی و منابع طبیعی، دانشکده اقتصاد و توسعه کشاورزی دانشگاه تهران.
- Baransdma, J. and Haret, L. (2000), *Making Micro Finance Work Better in the Middle East and North Africa*. Washington D.C.: World Bank Institute and Private and Financial Sector Development Group, Middle East and North Africa Region, World Bank.
- ESCAP (1996), *Showing the Way: Methodologies for Successful Rural Poverty Alleviation*. Bangkok: United Nations Economic and Social Commission for Asia and the Pacific.
- FAO (2006), "Rural development through diversification of jobs and incomes, focus on gender-responsive micro finance". *Report of the 19th Expert Meeting on Gender and Rural Development*. FAO/ECA

- Working Party on Women and Family in Rural Development, 25-29 September. Pécs (Hungary): FAO.
- FAO (1989), *Community Forestry Participatory Assessment, Monitoring and Evaluation*. Rome: FAO.
- Goetz, A. M. and Gupta, R. S. (1994), *Who Takes the Credit? Gender, Power and Control over Loan Use in Rural Credit Program in Bangladesh*. Brighton: England Institute for Development Studies, University of Sussex.
- Hasan, M. K. (2002), "Micro financial services and poverty alleviation: a comparative analysis of secular and Islamic NGOs. In Iqbal, M. (Ed) *Islamic Economic Institutions and the Elimination of Poverty*. Leicester: The Islamic Foundation.
- Kabeer, N (2008), *Mainstreaming Gender in Social Protection for the Informal Economy*. London: Commonwealth Secretariat.
- Khandker, S. R (2005), "Microfinance and poverty: evidence using panel data from Bangladesh". *World Bank Economic Review*. Vol 19, No. 3. pp. 1-25.
- Ledgerwood, J. (1999), *Microfinance Handbook*. Washing D.C.: World Bank.
- Mayox, L. (1997), "The magic ingredient? Micro finance and women's empowerment". A briefing paper prepared for the Micro Credit Summit, Washington: ActionAid UK. Available on: www.solutionexchange-un.net.in/mf/comm_update/res-09-070907-07.pdf
- Morduch, J. and Haley, B. (2002), "Analysis of the effects of microfinance on poverty reduction. *Working Paper* No. 1014. New York: New York University, Wagner Working Paper Series.
- Norwood, C. (2005), "Macro promises of micro credit: a case of a local Esusu in rural Ghana". *Journal of International Women's Studies*, Vol. 7 No.1.

- Pitt, M. M. and Khandkers, S. R. (1998), "The impact of group-based credit program on poor households in Bangladesh: does the gender of participants matter?" *Journal of Political Economy*, Vol. 22. No.2. pp. 958-977.
- Pruitt, L. R. (2009), "Migration, development, and the promise of CEDAW for rural women". *Michigan Journal of International Law*, Vol 30. NO. 3.
- Sanyang, S. E. and Chi Huang, W. (2008), "Micro-financing: enhancing the role of women's group for poverty alleviation in rural Gambia". *World Journal of Agricultural Sciences*, Vl. 4, No. 6, pp. 665-673.
- Schuoler, S. R. and Hashemi, S.M. (1994), "Credit program and women empowerment and contraceptive use in Rural Bangladesh: studies in family planning". *Journal of World Development*, Vol 24, No 4. pp 635-653.
- Shams, H. (2005), "A brief history of micro credit". *Seminar on Micro Credit, Rural Development and Poverty Alleviation*. Tehran: Agri Bank. pp. 43-61.
- Shivads, M. (2004), "A short note on micro credit". *International Seminar on Micro Credit for Youth*. Shiraz.
- Siebel, H.D (2002), "Rural finance for the poor: from unsustainable project to sustainable institution. Available on: www.ifad.org/ruralfinance/pub/index.htm
- Tilakaratan, S. (1996), "Credit schemes for rural poor: some conclusion and lessons from practice". International Labor Organization (ILO). Available on: http://www.ilo.org/employment/Whatwedo/Publications/langen/docNameWCMS_118277/index.htm.
- Westover, J. (2008), "The record of microfinance: the effectiveness/ineffectiveness of microfinance programs as a means of alleviating poverty. *Electronic Journal of Sociology*. Vol. 43, Issue 23.